



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مسألة: اگر پسری که خود داراری اولادی است زودتر از پدرش از دنیا برود در این صورت با وجود فرزندان بلاواسطه دیگر به اولادش یعنی نوه ها ارث نمی رسد و اما اگر پدرش فرزندان بلاواسطه نداشته باشد و فقط همین یک پسر را داشته که قبلاً مرده است در این صورت به نوه ها ارث می رسد.

بخدمت در این بود که دومین از موانع ارث قتل می باشد، برای روشن شدن مطلب صاحب وسائل چهار باب یعنی ابواب ۷ و ۹ و ۱۱ و ۱۳ از ابواب قتل را منعقد کرده که ما اگر به این روایات توجه کنیم هم مطلب روشن می شود و هم قول عامه در مقابل ما معلوم می شود.

در باب ۷ اخباری که دلالت دارند بر اینکه قاتل از مقتول مطلقاً ارث نمی برد ذکر شده است و عنوان باب این است: « أن القاتل ظلماً لا يرث المقتول ».

خبر اول: ﴿عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ وَعَبْدِ اللَّهِ ابْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عَيْسَى﴾، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا مِيرَاثَ لِلْقَاتِلِ.<sup>۱</sup>

خبر در اعلی درجه صحت قرار دارد.

خبر دوم: ﴿وَعَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا، عَنْ سَهْلِ بْنِ زِيَادٍ، وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَمِيْعَا، عَنْ ابْنِ مَحْبُوبٍ، عَنْ ابْنِ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

في رجل قتل أمه قال: لا يرثها ويقتل بها صاغراً ولا أظن قتلها بها كفارة لذنبه.<sup>۲</sup>

این خبر نیز سنداً صحیح است.

خبر سوم: ﴿وَعَنْ عَلِيِّ بْنِ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، وَعَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى، عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ حَدِيدٍ جَمِيْعَا، عَنْ جَمِيْلِ بْنِ دِرَاجٍ، عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: لَا يَرِثُ الرَّجُلُ إِذَا قَتَلَ وَلَدَهُ أَوْ وَالِدَهُ وَلَكِنْ يَكُونُ الْمِيرَاثَ لَوَرِثَةِ الْقَاتِلِ.<sup>۳</sup>

این خبر یک نکته ای دارد و آن اینکه درست است که خود قاتل ارث نمی برد ولی مانع ارث بردن فرزندان و ورثه خودش نمی شود.

خبر چهارم: ﴿وَعَنْهُ عَنْ أَبِيهِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عَمِيرٍ، عَنْ حَمَادٍ، عَنْ الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا قَتَلَ الرَّجُلُ أَبَاهُ قَتَلَ بِهِ، وَإِنْ قَتَلَهُ أَبُوهُ لَمْ يَقْتُلْ بِهِ وَلَمْ يَرِثْهُ.<sup>۴</sup>

قبلاً گفتیم آن حماد که از حلبی نقل می کند حماد بن عثمان است نه حماد بن عیسی، خبر سنداً صحیح است.

نکته: اگر پسر پدرش را بکشد قصاصاً کشته می شود ولی بالعکس اگر پدر پسرش را بکشد قصاص نمی شود بلکه فقط دیه أخذ می شود و این یک استثناء و یک حکم تبعیدی از طرف شارع مقدس در باب قصاص می باشد که در خبر مذکور به آن اشاره شده است.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۸۹، ابواب قتل، باب ۷، حدیث ۲، ط الإسلامیة.

<sup>۲</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۸۹، ابواب قتل، باب ۷، حدیث ۳، ط الإسلامیة.

<sup>۳</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۸۹، ابواب قتل، باب ۷، حدیث ۴، ط الإسلامیة.

<sup>۱</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۸۸، ابواب قتل، باب ۷، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

ارث می برد و اخبار باب نهم دلالت دارند بر اینکه قتل خطائی مانع ارث نیست.

صاحب وسائل برای هر حکمی از احکام بابی منعقد کرده و چونکه اخبار گاهها چند حکم را بیان می کنند ناچاراً اخبار را تقطیع کرده و این یک اشکالی بوجود آورده و آن اینکه گاهی صدر و ذیل خبر برای هم قرینه هستند منتهی چونکه صاحب وسائل خبر را تقطیع کرده آن قرینیت و دلالت یکی بر دیگری از بین رفته و لذا خود صاحب وسائل نیز در اغلب باب ها فرموده "قد تقدم ما يدل عليه و يأتي ما يدل عليه"، آیت الله العظمی آقای بروجردی فرمودند تمام این اخبار باید در یک باب ذکر شوند زیرا قرینه بر هم هستند و در جمع بین و اخبار و در تعارض خیلی به درد می خورند، ایشان با تجلیل از صاحب وسائل امر کردند یک عده ای از جوانان بیابند که بنده هم رفتم و بعد ایشان کتب را در اختیار ما گذاشتند و ما مشغول به مرتب کردن ابواب وسائل شدیم و این کار چند سال طول کشید و بالاخره کتاب جامع احادیث شیعه جمع آوری و چاپ شد علی ای حال این اخباری که الان ما خواندیم و در چند باب بودند در جامع احادیث شیعه همگی در یک باب ذکر شده اند.

در ما نحن فیه نیز چند عنوان در اخبار داریم که با هم تعارض دارند لذا ما باید ببینیم نسبت آنها با هم چگونه است آیا عام و خاص مطلق است یا مطلق و مقید هستند؟ اینجا اخبار مطلق و مقید هستند جمع بین آنها می شود اینکه "القاتل عمداً و ظملاً لا يرث" زیرا بین عمد و خطا و ظلم و حق فرق می گذاریم.

بقیه بحث بماند برای فردا إن شاء الله تعالی ...

والحمد لله رب العالمین و صلی الله علی  
محمد و آله الطاهیرین

در باب هفتم، ۶ خبر ذکر شده که این چهار خبر که خواندیم صحیح بودند و دو خبر آخر گرچه بر ما نحن فیه دلالت دارند ولی صحیح نیستند.

باب ۱۱: «أن الزوج يرث من الدية وكذا الزوجة».

خبر اول: ﴿محمد بن علي بن الحسين باسناده عن النضر بن سويد، عن القاسم بن سليمان، عن عبيد بن زرارة، عن أبي عبد الله عليه السلام قال: للمرأة من دية زوجها وللرجل من دية امرأته ما لم يقتل أحدهما صاحبه.﴾<sup>۵</sup>.

بعدا خواهیم گفت که دیه حکم مال شخص را دارد.

این باب خیلی مهم نیست و عمده باب ۱۳ می باشد.

باب ۱۳: «أن القاتل بحق يرث المقتول».

خبر اول: ﴿محمد بن علي بن الحسين باسناده عن سليمان بن داود المنقري (منقر بر وزن منبر نام یک قبیله است) عن حفص بن غياث (از عامه است ولی مورد وثوق می باشد) قال: سألت جعفر بن محمد عليهما السلام عن طائفتين من المؤمنین إحداهما باغية (خروج کنندگان بر امام برحق) والأخرى عادلة اقتتلوا فقتل رجل من أهل العراق أباه أو ابنه أو أخاه أو حميمه وهو من أهل البغي وهو وارثه أيرثه؟ قال: نعم لأنه قتله بحق﴾<sup>۶</sup>.

از این خبر معلوم می شود آن قتلی مانع ارث است که عامداً و ظالماً کشته باشد نه بحق و خطاً و در حال دفاع.

اخبار چند طائفه شدند، اخبار باب هفتم دلالت داشتند بر اینکه قاتل از مقتول مطلقاً ارث نمی برد، اخبار باب سیزدهم دلالت داشتند بر اینکه قاتل بحق

<sup>۵</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۹۵، ابواب قتل، باب ۱۱، حدیث ۱، ط الإسلامیة.

<sup>۶</sup> وسائل الشیعة، شیخ حر عاملی، ج ۱۷، ص ۳۹۷، ابواب قتل، باب ۱۳، حدیث ۱، ط الإسلامیة.